



زنده یاد رفیق محمد جنگی مشهور به «پاول»!

محمد فرزند خانواده ای زحمتکش، دارای سه خواهر و پنج برادر در روستای قلعه گاه توابع سقز، سال 1340 دیده به جهان گشود و دوران ابتدائی همراه با خانواده به روستای تکانتپه نقل مکان میکنند. دوران کودکی ایشان نیز مثل اکثریت کودکان در نظام شاهنشاهی با فقر و تنگدستی خانواده پیش می رفت. محمد کودک شاداب و سرزنده، هنوز اوان کودکی را پشت سر نگذاشته بود، که پدرش، عزیز جنگی، جهان را به درود می گوید. بعد از مرگ پدر مسئولیت تامین مایحتاج زندگی بر دوش دایه آمنه و پسر بزرگ خانواده قادر جنگی می افتد. دایه آمنه هم منبعد مسئولیت و دشواریهای زندگی بیش از پیش بر دوشش سنگینی می کند، و برای خانواده های نسبتا مرفه روستا نان می پخت، و لباس می شست، تا از اینطریق بتواند لااقل نیاز حداقلی خانواده را تامین نماید. قادر هم جدا از کار در روستا هر

ساله بعنوان کارگر فصلی لااقل دو فصل سال را در شهرهای بزرگ ایران مشغول به کارگری بود. و محمد هم بدلیل فقر و بی بضاعتی خانواده، مثل سایر خواهران و برادرانش تنها تا دوره راهنمایی امکان خواندن داشت و از ادامه تحصیل باز ماند، و برای امرار معاش به کار فصلی در روستا و شرکتها در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران روی آورد. محمد دوران جوانیش را بیشتر مشغول کارگری بود. بدلیل اینکه زندگیش عجیب با زندگی کارگران، محرومان و ستمدیدگان بود، در همان سنین نوجوانی انسانی تیز و با هوش، و جویای یافتن ریشه های فقر و محرومیت بود، تا بداند دلیل این همه ستم و تبعیض و نابرابری چیست و برخاسته از کجاست؟ به همین اعتبار محمد در سالهای مشرف به انقلاب اوقات آزادش را با علاقه وافر به مطالعه تاریخ و رمانهای سیاسی در کتابخانه ای که از سوی جوانان انقلابی و جمعیتها در تکانتپه دایر شده بود روی آورد. محمد در حین مطالعه مجذوب یکی از کاراکترهای اصلی رمان ماکسیم گورکی یعنی «پاول» میگردد و آنرا بعنوان اسم تشکیلاتی برای خود برمیکزیند، و تا در قید حیات بود در میان رفقاییش با این اسم شناخته میشد.

در ایندوره پاول که بیشتر ماههای سال را در شرکتهای ساختمانی و ... مشغول به کار بود، و با پدیده استثمار هموعان خود در سایر نقاط ایران هم تماما آشنا شد، هیچگاه در برابر زورگویی و پایمال کردن حق و حقوقشان از سوی کارفرما و دولت سکوت نکرد، و به وضع موجود معترض بود. متصدی یکی از شرکتها که پاول در آن دوره کار میکرد، شخصی آلمانی بوده و ایشان که پاول را بخاطر چهره ی صمیمی بسیار دوست داشت، اما متقابلا از سازش ناپذیری او در برابر حق و حقوق خود و هموعان بسیار حساب می برد.

پاول در اعتراضات کارگری خصوصاً طی ساله های 56 و 57 تهران شرکت فعالی داشت. با تشکیل جمعیتها در شهر و روستاهای کردستان، ایشان هم بسرعت شوق فعالیت در این محافل درش ایجاد میگردد و به شیوه نیمه مخفی و علنی در میان مردم مشغول به کار با جمعیتها می شود. و نهایتاً با شروع قیام 57 و بعد از علنی شدن کومله دیری نگذشت، اینبار پاول بعنوان جوانی کارگر رسماً به صفوف پیشمرگان کومله پیوست. در دوران پیشمرگ شدن هم برای ارتقای دانش سیاسی خود بسیار

کوشا بود. بارها رژیم خانواده‌ش و خصوصا برادر بزرگترش قادر را به بهانه هواداری از کومله تحت تعقیب و پیگرد، و مورد اذیت و آزار قرار داد. اما برغم فشارها و تهدیدات شدید بر خانواده، پاول در مبارزه مصمم‌تر از قبل گشت. و در مدت کوتاهی به یکی از رفقای قابل اتکاء در میان هم‌زمانش در منطقه تبدیل شد، و در پیشبرد امورات تشکیلاتی حضور خیلی فعالانه داشت. دوره ای که پاول در آن به صفوف پیشمرگانی پیوست، دوره ای پر شور انقلابی و بسیار دورانساز از حیات سیاسی جامعه کردستان بعنوان یکی از سنگرهای باز مانده از انقلاب بود. یعنی از یکسو در تقابل و نبرد نابرابر با رژیم متحجر اسلامی درگیر، و از دیگر سو با یکتازی جنبش ناسیونالیستی و مرتجعین محلی و خوانین در کردستان مواجه بود، که کماکان از بقایای سنن کهن بدفاع برخاسته بودند. و جریانی که پاول در آنزمان در آن فعالیت داشت هر چند هنوز یکسال از فعالیت علنی آن نگذشته بود، اما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی در کردستان وظایف بسیار خطیری در این عرصه را نیز بر دوش داشت. پاول در مبارزات و مقاومت‌های آندوره جنبش کمونیستی از تشکیل جمعیتها تا پیوستن به کومله، چه در برابر رژیم ایران و چه در برابر ارتجاع محلی، از هیچ تلاشی فرو گذار نبود و وظایف که به او محول میشد با هشیاری و درایتی که داشت آنرا به انجام می رساند. تا اینکه در تاریخ 21.08.1358 در حین یک ماموریت تشکیلاتی، در جاده سد بوکان ماشین حامل تیم پیشمرگان در حادثه ای هولناک واژگون میشود، و پاول جراحات عمیق بر میدارد، و در بیمارستان بوکان بستری می شود. برغم اینکه تیم پزشکی بیمارستان نهایت تلاش میکنند تا زندگی را به او برگردانند، اما با نهایت تأسف بدلیل شدت و عمق جراحت وارده، قلب سرشار از امیدش به مبارزه و پیروزی برای همیشه از تپش باز می ایستد.

یاد و خاطره زنده یاد محمد جنگی(پاول) گرامی باد!

شهریور 1403 برابر با آگوست 2024

از میان مجموعه آرشیو ناصر بابامیری

